

# سفیر بازمانده کربلا؛ امام سجاد (علیه السلام)

<?xml encoding="UTF-8?">



## مقدمه

شهادت حضرت امام العارفین، امام سجاد (علیه السلام)، امام چهارم شیعیان بنا به روایتی در سال 94 یا 95 قمری است. تاریخ دقیق شهادت امام سجاد (علیه السلام) مشخص نیست، ولی روایت 25 محرم سال 94 هجری سندیت بیشتری دارد. مدت عمر آن حضرت پنجاه و هفت سال و طول امامت آن بزرگوار سی و چهار سال و اندی می باشد. آن حضرت به دست هشام بن عبدالمَلِک در زمان خلافت ولید بن عبدالملک مسموم گردیدند و در کنار مرقد مطهر عموی بزرگوارش، حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) در قبرستان بقیع به خاک سپرده شدند. حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) پس از واقعه پرشور کربلا، به همراه دیگر افراد خاندان اهل بیت (علیهم السلام) به کوفه و شام برده می شوند. ایشان به همراه عمّه بزرگوار خود، حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) رسالت حسینی را با افشای ماهیت دستگاه فاسد اموی و معرفی راه پاک ثارالله به عنوان مسیر صحیح به سوی نجات، کامل می کنند. آن امام بزرگوار پس از رسوا ساختن حکام جور در مجلس عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه، به مدینه باز می گردند و لحظه ای از زنده نگاه داشتن واقعه عاشورا باز نایستادند.

## گذری به زندگی نامه امام سجاد (علیه السلام)

نام مبارک: علی، لقب مشهور: زین العابدین، سجاد، پدر بزرگوارش: امام حسین بن علی (علیه السلام).  
مادر مکرمه: شهربانو دختر یزد گرد آخرین پادشاه ساسانی، ولادت: یکشنبه 15 جمادی الاولی یا پنجم شعبان

سال 38 هجری، مدینه، تاریخ شهادت: 25 محرم سال 94 یا 95 هجری در مدینه، مدت عمر: حدود 57 سال، مدت امامت: 34 سال، مرقد مطهر: مدینه، قبرستان بقیع.

## نقش اساسی حضرت امام سجاد (علیه السلام) در احیای نهضت عاشورا

حضرت سجاد (علیه السلام) با مدیریتی که بعد از حادثه عاشورا داشتند با تدابیری خاص نگذاشتند این نهضت از یادها و خاطره ها برود. امام سجاد (علیه السلام) با خطبه های افشاگرانه در طول مسیر حرکت از کربلا تا شام نقش مهمی در ارائه مبانی و فلسفه قیام داشتند، بخشی از روشنگری هایی که حضرت زینب (سلام الله علیها) و فاطمه صغری در خطبه های خویش داشتند نیز با مدیریت امام سجاد (علیه السلام) بود. امام سجاد در هر شرایطی تلاش می کرد خاطره نهضت عاشورا را زنده کند، وقتی آب می نوشیدند یاد پدر می کردند، وقتی فرزندان حضرت ابوالفضل (علیه السلام) را می دیدند اشک می ریختند، وقتی می خواستند گوسفندی را ذبح کنند می پرسیدند که آیا آبش داده اید، می گفتند آری و بعد ایشان می فرمود: ولی پدرم حسین (علیه السلام) را لب تشنه کشتند که این یادآوری خاطره عاشورا سبب می شد این نهضت الهی فراموش نشود.

## حوادث مهم سیاسی عصر امام سجاد (علیه السلام)

مهم ترین حوادث سیاسی، اجتماعی عصر آن بزرگوار عبارت است از:

1. قیام توابین به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی؛
  2. قیام مدینه به رهبری عبدالله بن حنظله غسیل الملائکه (واقعه حره)؛
  3. سنگباران و آتشباران کعبه معظمه توسط نظامیان یزید؛
  4. قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی؛
  5. حکومت عبدالله بن زبیر در مکه؛
  6. حکومت مروان بن مروان در شام؛
  7. قیام خوار و عبدالرحمن بن محمد بن اشعث، علیه حجاج در سال های 81 تا 83 هجری قمری.
- پیشوای چهارم شیعیان (علیه السلام) بعد از حضور در حماسه افتخار آفرین و عزت بخش عاشورای حسینی، از لحظه ای که در غروب عاشورا با شهادت پدر بزرگوار و سایر عزیزانش مواجه گردید، برای ادامه راه آنان، مسئولیت سنگینی را به دوش کشید. امامت امت، سرپرستی اطفال و بانوان، رساندن پیام عاشورا به گوش جهانیان، تداوم مبارزه با طاغوت و طاغوتیان و از همه مهمتر پاسداری از اهداف متعالی امام حسین (علیه السلام) که موجب عزت و افتخار عالم اسلام گردید، از جمله مسئولیتهای آن امام همام به شمار می آید.

امام سجاد (علیه السلام) که در دوران امامت خویش در محدودیت شدیدی به سر می برد و حاکمان مستبد اموی سایه شوم خود را بر شهرهای اسلامی گسترده بودند و اهل ایمان از ترس مال و جان خود مخفی می شدند، با اتخاذ صحیح ترین تصمیم ها و موضعگیری های مناسب و بجا و با استفاده از مؤثرترین شیوه ها توانست از فرهنگ عاشورا و دست آوردهای ارزشمند آن - که همان عزت و افتخار ابدی برای اسلام و مسلمانان و بلکه برای جهان بشریت بود - به صورت شایسته ای پاسداری کرده و راه حماسه آفرینان کربلا را تداوم بخشد و یاد و نام و خاطره سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) را جاودانه ساخته و بر بلندای تاریخ ابدی نماید. در این فرصت با مهم ترین فعالیت های آن یادگار امامت در پاسداری از فرهنگ عزت و افتخار حسینی (علیه السلام) آشنا می شویم:

## مهم ترین فعالیت های امام سجاد (علیه السلام)

### 1. خطابه های حماسی، آتشین و تاثیرگذار

بدون تردید روشنگری های امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب کبری (علیها السلام) و برخی دیگر از خاندان حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) بعد از ماجرای غمبار کربلا در تداوم آن نهضت عظیم اسلامی نقشی به سزا داشته است.

مهمترین دستاورد سخنان آن بزرگوار، آگاه نمودن مردم غفلت زده، بیدار کردن وجدان های خفته، افشای جنایات دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)، نمایاندن چهره حقیقی زمامداران ستمگر اموی و انتشار فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و معرفی آن گرامیان به عنوان جانشینان بر حق پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

الف. امام سجاد و خطبه آتشین در کوفه

محورهای خطبه امام سجاد (علیه السلام) عبارتند از:

1. معرفی خود و خاندان عصمت و طهارت و جد و پدرش؛
2. گزارش جنایات کربلا و فجایع عاشورا؛
3. تذکر به مردم کوفه در مورد نامه نگاری و دعوت از امام حسین (علیه السلام) و بی وفایی آنان نسبت به امام. امام زین العابدین (علیه السلام) در مدت اقامت خویش در کوفه، در چند جا سخن گفتند. بار نخست هنگامی بود که جارجیان حکومت، مردم را برای تماشای اسیران، فراخوانده بودند. این در حالی بود که برای اسرا در کنار شهر کوفه، خیمه زده بودند. علی بن الحسین (علیه السلام) از خیمه بیرون آمد و با اشاره از مردم خواست تا آرام شوند. امام (علیه السلام) سخنش را با ستایش پروردگار آغاز کرد و بر پیامبرصلی الله علیه و آله درود فرستاد و

سپس چنین فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ ! مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا أَعْرِفُهُ بِنَفْسِي: أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، أَنَا ابْنُ الْمَذْبُوحِ بِسَطِّ الْفُرَاتِ مِنْ غَيْرِ دَحْلٍ وَلَا تِرَاتٍ، أَنَا ابْنُ مَنْ انْتَهَكَ حَرِيمَهُ وَسَلَبَ نَعِيمَهُ وَانْتَهَبَ مَالَهُ وَسَبَّى عِيَالَهُ، أَنَا ابْنُ مَنْ قُتِلَ صَبْرًا وَكَفَى بِذَلِكَ فَخْرًا . أَيُّهَا النَّاسُ ! نَاشِدْتُكُمْ اللَّهَ ، هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّكُمْ كُتِبْتُمْ إِلَى أَبِي وَحَدَّثْتُمُوهُ، وَأَعْطَيْتُمُوهُ مِنْ أَنْفُسِكُمْ الْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ وَالْبَيْعَةَ وَقَاتَلْتُمُوهُ وَحَدَلْتُمُوهُ ؟ ! فَتَبَّ لِمَا قَدَّمْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَسَوْءَ لِرَأْيِكُمْ، بِأَيَّةِ عَيْنٍ تَنْظُرُونَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)؛ (1)

ای مردم! آن که مرا می شناسد که می شناسد؛ و آن که مرا نمی شناسد، من علی فرزند حسین (علیه السلام) هستم. همان که در کنار نهر فرات سر مقدسش را از بدن جدا کردند بی آن که جرمی داشته باشد و حقی داشته باشند! من فرزند آن آقایی هستم که حریم او هتک شد؛ آرامش او ربوده شد؛ و مالش به غارت رفت و خاندانش به اسارت رفت.

من فرزند اویم که (دشمنان انبوه محاصره اش کردند و در تنهایی و بی یابوری بی آن که کسی را داشته باشد تا به یاریش برخیزد و محاصره دشمن را برای او بشکافد) به شهادتش رساندند. البته این گونه شهادت (شهادت در اوج مظلومیت و حقانیت) افتخار ماست.»

امام (علیه السلام) در شهر کوفه با مردم ساده، سطحی نگر، تاثیرپذیر و پیمان شکن آن شهر سخن گفته و بعد از شناساندن خویش و افشای جنایات امویان فرمود: «ای مردم! شما را به خدا سوگند می دهم، آیا شما برای پدرم نامه ننوشتید و آنگاه بی وفایی نکردید؟! آیا با او عهدها و پیمان های محکم نبستید و سپس با او پیکار کرده و او را به شهادت رساندید؟! وای بر شما! چه کار زشتی انجام دادید، شما چگونه به سیمای رسول الله (صلی الله علیه و آله) نظاره خواهید کرد، هنگامی که به شما بگوید: فرزندان مرا کشتید، احترامم را از میان بردید، پس، از امت من نیستید!» هنوز سخنان امام تمام نشده بود که مردم گریه کنان و ضجه زنان همدیگر را ملامت کرده و به نگون بختی خود، - که خود برگزیده بودند - تاسف خورده و اشک ندامت و پشیمانی می ریختند. (2)

ب. امام سجاد و خطبه آتشین در شام

همچنین پیشوای چهارم هنگامی که در شام به مجلس جشن پیروزی یزید برده شد، ضمن تحقیر خطیب متملق دربار اموی، در کرسی خطابه قرار گرفته و با بهره گیری از زیباترین و بلیغ ترین جملات، فجایع کربلا را بازگو کرده و ضمن افشای چهره زشت جنایتکاران، تبلیغات سوء دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) را خنثی کرده و سیمای سراسر فضیلت و افتخار آل محمد (صلی الله علیه و آله) را برای مردم نا آگاه شام نمایان ساخت. آن حضرت فرمود:

«ای مردم! به ما شش چیز عطا شده و به هفت نعمت (بر دیگران) برتری یافته ایم. به ما علم، حلم، جوانمری، فصاحت، شجاعت و دوستی در دل مؤمنان عطا شده است و ما به اینکه رسول برگزیده خداوند، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و (حضرت علی (علیه السلام) نخستین) تصدیق کننده (پیامبر صلی الله علیه و آله) و جعفر طیار و (حمزه)، شیر خدا و رسول او و حسن و حسین (علیهما السلام) و مهدی این امت از ما هستند، فضیلت داده شده ایم.» (3)

آن حضرت در ادامه به فضائل بی شمار امیرمؤمنان (علیه السلام) پرداخته و از چهره درخشان علی (علیه السلام) به نحو زیبایی دفاع نموده و در خاتمه با معرفی امام حسین (علیه السلام)، به ذکر مصیبت آن حضرت پرداخت.

این سخنان آتشین، منطقی و روشنگر، آنچنان فضای جهل و غفلت و خفقان را درهم شست که یزید در مقام دفاع از خود و سلطنتش برآمد. (4)

ج. خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مدینه

امام سجاد (علیه السلام) خطبه دیگری را نیز در نزدیکی مدینه برای مردمی ایراد نمود که به استقبال قافله خسته دل و دل شکسته حسینی آمده بودند. این خطابه نیز آثار فراوانی در روحیه مردم مدینه گذاشت که یکسال بعد از حادثه عاشورا، قیام خودجوشی از سوی اهالی مدینه بر علیه دستگاه طاغوتی بنی امیه رخ نمود که به «واقعه حره» معروف است.

امام چهارم (علیه السلام) در پاسداری از اهداف عاشورا هر جا که احساس می کرد دشمن می خواهد قیام کربلا را زیر سؤال برده و آن حماسه تاریخی را پوچ و باطل جلوه دهد، در مقام دفاع برآمده و با پاسخ های کوبنده با نقشه های شیطانی آنان به ستیز بر می خواست که بارزترین نمونه های آن در مجلس عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه به چشم می خورد. هنگامی که در مجلس ابن زیاد، حضرت زینب کبری (علیها السلام) وی را با نطق خویش رسوا نمود، ابن زیاد متوجه امام زین العابدین (علیه السلام) گشته و پرسید: این جوان کیست؟ گفتند: او علی بن الحسین (علیهما السلام) است. ابن زیاد گفت: مگر خدا علی بن الحسین را نکشت؟ امام چهارم (علیه السلام) فرمود: من برادری بنام علی بن الحسین (علیهما السلام) داشتم که مردم او را به شهادت رساندند. ابن زیاد گفت: چنین نیست، خدا او را کشت.

امام سجاد (علیه السلام) آیه «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ...» را قرائت نمود. ابن زیاد از پاسخ صریح امام خشمگین شده و فریاد زد: آیا در مقابل من جرات کرده و پاسخ می دهی؟ او را ببرید و گردن بزنید. حضرت سجاد (علیه السلام) در ادامه گفتگو فرمود: «أَبَا الْقَتْلِ تُهَدِّدُنِي يَا بَنَ زَيْدٍ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَ كَرَامَتَنَا الشَّهَادَةُ؟» (5) ای پسر زیاد! آیا مرا به قتل تهدید می کنی؟ مگر نمی دانی کشته شدن (در راه حق) عادت ما و شهادت (برای خدا عزت و کرامت ماست).

آن حضرت در مجلس یزید نیز با اینکه اسیر بود، هیچگاه حرکت و یا سخنی که نمایانگر عجز و خواری باشد از خود نشان نداد؛ بلکه همانند آزاده ای با شهامت، عزت و افتخار حسینی را به نمایش گذاشت. آنگاه که یزید در مجلس خویش اسرای کربلا را برای تحقیر و شکستن ابهت و عظمت خاندان آل محمد (صلی الله علیه و آله) حاضر کرده بود، خطاب به امام سجاد (علیه السلام) گفت: دیدی که خدا با پدرت چه کرد؟ حضرت فرمود: «ما جز قضای الهی که حکمش در آسمان و زمین جریان دارد چیز دیگری ندیدیم. یزد گفت: «انت ابن الذی قتله الله؛ تو فرزند کسی هستی که خدا او را کشت.»

امام فرمود: «انا علی، ابن من قتلته؛ من علی، فرزند کسی هستم که تو او را به شهادت رساندی» و در ادامه با تمسک به آیه قرآن فرمود: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»؛ (6) «و هرکس، مؤمنی را عمداً به قتل برساند مجازات او جهنم است، در آنجا همیشه می ماند، خداوند بر او غضب می کند و از رحمتش دور می سازد و عذاب بزرگی برای او آماده کرده است.» یزید که نتوانست این پاسخ های محکم را - که جهنمی بودن وی را اثبات می کرد - تحمل کند، با خشم و غضب فرمان قتل امام را صادر کرد، اما امام سجاد (علیه السلام) با قاطعیت تمام فرمود: هیچگاه «فرزندان اسیران آزاد شده» نمی توانند به قتل انبیاء و اوصیا فرمان دهند، مگر اینکه از دین اسلام خارج شوند. (7)

## 2. گریه های هدفمند و تاثرانگیز

امام سجاد (علیه السلام) برای زنده نگه داشتن خاطره شهیدان کربلا، در مناسبت های گوناگون بر عزیزانش گریه می کرد. اشک های حضرت زین العابدین (علیه السلام) که عواطف را برانگیخته و در اذهان مخاطبان، ناخواسته مظلومیت شهدای کربلا را ترسیم می کرد، آثار پرباری برای تداوم نهضت عاشورا داشت و امروز این روش با پیروی از آن گرامی همچنان ادامه دارد و فرهنگ گریه بر سالار شهیدان عالم، همچنان تاثیرگذار بوده و در پیوند دادن عواطف و احساسات میلیون ها عزادار عاشق با راه و هدف حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) مهم ترین عامل محسوب می شود. عشق به امام حسین (علیه السلام) در سوگواری ها اشک می آفریند و این گریه های عزت بخش که افتخار شیعه می باشند هر سال در دهه محرم سیمای کشور اسلامی را به حماسه عاشورا نزدیک نموده و قیام امام حسین (علیه السلام) را در خاطره ها زنده می سازد.

حضرت سجاد (علیه السلام) بنیانگذار فرهنگ سوگواری و گریه در میان مؤمنان، بعد از شهادت پدر ارجمند خویش در حدود 35 سال امامتش به این روش ادامه داد تا جایی که یکی از بکائین پنجگانه تاریخ نامیده شد. (8) وقتی علت این همه اشک و ناله را از او می پرسیدند در جواب می فرمود: «مرا ملامت نکنید. یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم، پیامبر و پیامبرزاده بود، او دوازده پسر داشت، خداوند متعال یکی از آنان را مدتی از نظرش غایب کرد، در اندوه این فراق موقتی، موهای سر یعقوب سفید شده، کمرش خمیده گشت و نور چشمانش را از شدت گریه از دست داد، در حالیکه پسرش در این دنیا زنده بود. اما من با چشمان خودم پدر و برادر و 17 تن از خانواده ام را دیدم که مظلومانه کشته شده و بر زمین افتادند. پس چگونه اندوه من تمام شده و گریه ام کم شود؟» (9)

## 3. حمایت از قیام های طاغوت ستیز

یکی از آثار نهضت جاویدان کربلا، دمیدن روح حماسه و شجاعت و ایثار در میان مسلمانان بود. آنان با الهام از جنبش شورآفرین و حماسه ساز امام حسین (علیه السلام) و با تاثیرپذیری از خطابه های بیدارگر امام سجاد و حضرت زینب (علیهما السلام) روحیه اسلام خواهی و طاغوت ستیزی خود را در قالب قیام های مردمی متبلور ساخته و بر علیه حکمرانان خودسر اموی دست به شورش هایی زدند که در نهایت بعد از مدتی اساس حکومت آنان را متزلزل ساخته و از میان بردند.

شاخص ترین این جنبش ها بعد از حادثه جانسوز کربلا، سه قیام معروف است که به نام های قیام توابین، قیام مختار و قیام مدینه در تاریخ مطرح است. رهبران سه قیام، تداوم راه حضرت ابا عبدالله (علیه السلام)، غیرت دینی، اسلام خواهی و در نهایت محبت شدید به اهل بیت (علیهم السلام) را در شعارها و خواسته های خود

#### 4. نیایش های عارفانه و بیدارگر

از بهترین روش های امام سجاد (علیه السلام) برای پاسداری از فرهنگ عاشورایی اسلام، که حکایت از بینش عمیق و زمان شناسی آن حضرت دارد، عرضه نیایش های عرفانی و روشنگر می باشد. دعاهاى حضرت سیدالساجدين (علیه السلام) که در مجموعه های ارزشمندی همچون صحیفه سجادیه، مناجات خمسة عشر، دعای ابو حمزه ثمالی، نیایش های روزانه و... گرد آمده است.

مهم ترین نکته ای که در نیایش های امام سجاد (علیه السلام) جلب توجه می کند، اهتمام آن حضرت به صلوات بر محمد و آل اوست که با توجه به عصری که مبارزه با اهل بیت (علیهم السلام) و یاران آنان در راس برنامه های حکومت اموی بوده است و حتی لعن و سب علی (علیه السلام) و خاندانش همچنان ترویج می شد، شایان دقت است. همچنین نمایاندن عظمت اهل بیت (علیه السلام)، ارزش محبت آنان و توسل به آنان در آن دوران نوعی مبارزه با دشمنان و مخالفین اهل بیت (علیهم السلام) به شمار می آید. بهره گیری امام سجاد (علیه السلام) از دعا

هنگامی که جامعه دچار انحراف شده، روحیه رفاه طلبی و دنیا زدگی بر آن غلبه و فساد سیاسی و اخلاقی و اجتماعی آن را در محاصره قرار داده و از نظر سیاسی هیچ روزنه ای برای تنفس وجود نداشت، امام سجاد (علیه السلام) توانست از دعا برای بیان بخشی از عقاید خود استفاده کند و بار دیگر تحرکی در جامعه برای توجه به معرفت و عبادت و بندگی خداوند ایجاد کند. گرچه ظاهراً مقصود اصلی در این دعاها، همان معرفت و عبادت بوده، اما با توجه به تعبیری که وجود دارد، می توان گفت که مردم می توانستند از لابلای این تعبیرات با مفاهیم سیاسی مورد نظر امام سجاد (علیه السلام) آشنا شوند.

صحیفه سجادیه مشهور، که اندکی بیش از پنجاه دعا را دربردارد، تنها بخشی از دعاهاى امام سجاد (علیه السلام) است که گردآوری شده است. در مجموعه های دیگری نیز به گردآوری دعاها پرداخته اند که تعداد این مجموعه ها با صحیفه معروف، به شش عدد رسیده و برخی از آنها حاوی بیش از صد و هشتاد است. (10) دعاهاى مزبور نه تنها در میان شیعیان، بلکه در میان اهل سنت نیز وجود داشت. (11) و این حاکی از آن است که دعاهاى امام سجاد (علیه السلام) در جامعه آن روز نفوذ کرده است. در میان ائمه شیعه، امام سجاد (علیه السلام) بیشتر از همه به ارائه این گونه دعاها شهرت دارد.

در میان دعاها، تعبیری وجود دارد که اغلب تکرار شده و کمتر دعایی است که از این تعبیر خالی باشد. این تعبیر، «صلوات بر محمد و آل محمد» است و اساساً یکی از علائم دعاهاى درست همین است. زمانی که حتی قرار دادن نام علی بر فرزندان تقبیح می شد و افراد بدین دلیل مورد تهدید قرار می گیرند و کار امویان جز با دشنام دادن به علی (علیه السلام) مستقیم نمی شود، (12) به کار گرفتن این تعبیر ارزش خود را به خوبی نشان می دهد. تعبیرهایی شبیه «محمد و اله الطیبین الطاهرین الاخیار الانجبین»، (13) از نمونه هایی است که چند بار تکرار شده است.

تکیه امام در پیوند دادن محمد و آل او، امری است که خداوند آن را ضمن دستور بر صلوات بر رسول آورده و اهمیت زیادی برای بیان عقاید شیعی دارد. قبل از نقل برخی از مضامین دعا‌های امام، نقل روایتی در تحکیم پیوند محمد و آل محمد از امام سجاد (علیه السلام) مناسب است. آن حضرت می فرمود: خداوند صلوات بر پیامبرش را بر عالم واجب کرده، و ما را نیز به آن مقرون ساخته است. کسی که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) صلوات فرستد اما بر ما صلوات نفرستد، صلواتش را بر رسول ناقص گذاشته و دستور خدا را ترک کرده است. (14) همراهی محمد و آل محمد، می تواند تاثیر مهمی در موضع مردم نسبت به خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) داشته باشد.

امام سجاد (علیه السلام) در غالب دعا‌های صحیفه سجادیه مکرر، قبل و یا بعد از هرگونه درخواست از خدای متعال، به حمد و ثنای الهی می پردازد و بر پیامبر و آل آن بزرگوار صلوات می فرستد و شیوه دعا کردن را آموزش می دهد و حرمت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را پاس می دارد ولی هرگز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ارتباط نسبی خویش با آن بزرگوار را راه دستیابی به امکانات دنیوی قرار نداده است. صاحب کشف الغمه این عبارت را از آن امام همام نقل کرده است: «ما اكلت بقرباتی من رسول الله (صلی الله علیه و آله) شیئا قط؛ (15) هرگز به دلیل خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم چیزی نخورده ام.»

## 5. تربیت شاگردان

### شاگردان برجسته امام

یکی از مهم ترین شیوه های امام سجاد (علیه السلام) در پیشبرد اهداف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)، پرورش انسان های مستعد و آماده کردن آنان برای مبارزه فرهنگی - عقیدتی با معارضان و مخالفان قرآن و اهل بیت علیهم السلام بود.

شیخ طوسی در کتاب رجال خویش، (ص 81) یکصد و هفتاد نفر از شاگردان و یاران حضرت سجاد (علیه السلام) را نام برده است که نام برخی از آنان بدین شرح است:

سعید بن مسیب؛ ابوحمزه ثمالی (ثابت بن دینار)؛ سعید بن جبیر؛ ابوخلد کابلی؛ یحیی بن ام طویل، که حجاج بن یوسف ثقفی او را در شهر واسط عراق شهید کرد؛ (16) فرزددق، معروف به ابوفراس شاعر؛ طاووس یمانی؛ حماد بن حبیب عطار کوفی؛ زرارۃ بن اعین شیبانی؛ حبابه والبیہ؛ جابر بن عبدالله انصاری؛ محمد بن جبیر بن مطعم؛ فرات بن احنف؛ سعید بن جبہان کنانی؛ مولی ام هانی؛ قاسم بن عوف؛ اسماعیل بن عبدالله بن جعفر.

## 6. سفرهای امام زین العابدین (علیه السلام)

1. سفر جهادی، تبلیغی از مدینه به مکه و کربلا تا بازگشت دوباره به شهر پیامبر همراه با بانوان حرم حسینی. سفرهای عبادی، زیارتی و تربیتی به همراه کاروان های حج از مدینه و احیاناً از کوفه برای حج و عمره.
2. سفر تحمیلی و بازداشت گونه در عهد عبدالملک بن مروان که آن بزرگوار را به قصد ارباب و تهدید از مدینه به دمشق بردند.
3. سفر زیارتی، تربیتی به کوفه و نجف و آموزش روش زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین (علیهما السلام) از جمله تعلیم دعای عمیق و عرفانی به ابوحمزه ثمالی و شاید بتوان گفت بنیانگذاری حوزه علمی نجف. (17)

## 7. خفقان حاکم بر عصر امام

آن بزرگوار فرموده است: «تعداد دوستان واقعی ما در مکه و مدینه به بیش از بیست نفر نمی رسد.» (18)

روزی به آن بزرگوار گفتند: حال شما چطور است؟ فرمود: همه اهل اسلام به برکت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به آرامش و امنیت رسیدند، ولی ما به دلیل انتساب به آن بزرگوار، در حال ترس و وحشت زندگی می کنیم.

(19) حجاج بن یوسف (قاتل سعید بن جبیر و قنبر، غلام با وفای مولا) که از خونریزی لذت می برد، یکصد و بیست هزار نفر را در عراق کشت. پس از مرگ وی در زندان هایش پنجاه هزار مرد و سی هزار زن به صورت مختلط زندانی بودند، در زندان هایی که سقف نداشت. و حجاج از سوی عبدالملک بن مروان از سال 75 تا 95 ه. حاکم تام الاختیار عراق، فارس، کرمان، سیستان، خراسان، عمان، یمن، موصل، حلوان، مدائن، بلاد ارمنیه، آذربایجان، اران، حوران، ماهین، ری و اصفهان بود. (20)

## 8. حاکمان عصر

در عصر امام سجاد (علیه السلام) پنج زمامدار قدرت را به دست گرفتند که اسامی آنان چنین است:

یزید، عبدالله بن زبیر، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک، که در عصر وی برادرش هشام بن عبدالملک آن بزرگوار را مسموم و به شهادت رساند.

پی نوشت ها :

(1) لهوف سید بن طاووس، صص 66 و 67.

(2) احتجاج طبرسی، ج 2، ص 32.

- (3) مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 305؛ بحار الانوار، ج 45، ص 137 و 174؛ معالی السبطين، ج 2، ص 178.
- (4) همان.
- (5) همان، ص 296 .
- (6) نساء، آیه 93 .
- (7) شرح الاخبار مغربی، ج 3، ص 253؛ ذریعة النجاة، ص 234 .
- (8) امالی صدوق، ص 140.
- (9) لهوف سید بن طاووس، ص 380.
- (10) الذریعة، ج 15، صص 21 - 18.
- (11) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحديد، ج 11، ص 192، ج 6، صص 186 - 178، ج 5، ص 113.
- (12) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحديد، ج 13، ص 220؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 184.
- (13) صحیفه سجادیه دعای 6 فقره 24.
- (14) تاریخ جرجان، ص 188.
- (15) کشف الغمه، ج 2، ص 93.
- (16) تاریخ الائمه، مطبوع ضمن مجموعه نفیسه، ص 32 .
- (17) پیشوای چهارم، ص 23؛ امام سجاد (ع)؛ جمال نیایشگران، ص 180.
- (18) الغارات، ص 573.
- (19) کشف الغمه، ج 2، ص 107.
- (20) بر امام سجاد و امام باقر چه گذشت؟، ص 83.